محمدعلی گودینی نویسنده دفاع مقدس در گفت‌وگو با کیهان:

نوشتن از شهدا و جانبازان ادای دین ما به آنهاست

سیدمحمد مشکوة الممالک

شهدا و جانبازان، دین عظیمی بر گردن ما دارند آنها برای سربلندی میهن و کشور خود جانفشانی‌ها کرده‌اند که اگر درباره آنها ننویسیم در واقع مانند آن است که به آنها خیانت کنیم. این مسئله بهانه‌ای شد تا در ادامه بررسی و آسیب‌شناسی عرصه کتاب دفاع مقدس با محمدعلی گودینی نویسنده دفاع مقدس گفت‌وگو کنیم.

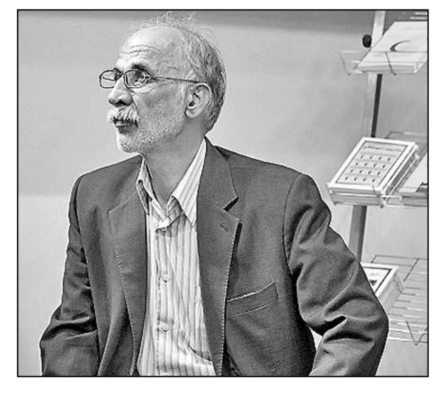

*** ویژگی‌های یک کتاب خوب از نظر شما چیست؟**

در رابطه با اینکه یک کتاب خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد به دیدگاه مخاطبین بستگی دارد؛ سلیقه افراد، متفاوت است. به عنوان مثال برخی به دنبال کتاب‌های تاریخی، برخی اجتماعی و برخی سیاسی و دیگر موارد هستند و بنده نمی‌توانم بگویم که چه کتابی خوب است، چرا که نیازهای افراد متفاوت است. اما یک کتاب خوب باید نیم نگاهی هم به جامعه حاضر خود داشته باشد تا اگر کار او را سال‌ها بعد دیدند بتوانند قضاوت کنند. همان طور که در حال حاضر بعضی از روانشناس‌ها کتاب‌هایی مانند بینوایان اثر ویکتورهوگو را می‌خوانند و درباره اجتماع آن زمان قضاوت می‌کنند. به عقیده بنده بُعد تاریخی یک کتاب نیز حائز اهمیت است.

***چرا در کتاب‌های خود به بُعد تاریخی می‌پردازید؟**

بنده نویسنده کتاب‌های دفاع مقدس هستم و نوشته‌هایم نه تنها درباره مسائل اجتماعی است بلکه نیم نگاهی هم به تاریخ دارم. اگر شروع به نوشتن کتابی کنم با این دیدگاه آغاز می‌کنم که اثری ماندگار در زمینه تاریخی هم داشته باشد و به زمان خودش استناد کند. از آنجا که خود بنده وقتی کتاب‌هایی را می‌خوانم تصور می‌کنم که چنین لباس می‌پوشیدند و چگونه افکاری داشتند، سعی می‌کنم در نوشته‌هایم به بُعد تاریخی نیز بپردازم تا برای نسل‌های بعدی ملموس‌تر به نظر برسد.

*** چه انتظاری از مسئولان عرصه کتاب دارید؟**

بسیاری از مسئولان متاسفانه یا فرهنگی نیستند و یا ذهنیت فرهنگی ندارند، یعنی کار را به کاردان نسپرده‌اند که در این میان قربانی اصلی نویسندگان و ناشران هستند که می‌خواهند از دفاع مقدس بنویسند و چاپ کنند اما هم از لحاظ مادی ضربه می‌خورند و هم دیده نمی‌شوند. بنده از مسئولان انتظار دارم با توجه به اینکه در رأس کارهستند مشکلات زیادی که در این حوزه است را واکاوی کنند.

***به نظر شما آیا حوزه کتاب دفاع مقدس تاکنون موفق بوده است؟**

کتاب‌های حوزه دفاع مقدس از اقبال زیادی بین مردم برخوردار است و این نشان از موفقیت این حوزه دارد. بسیاری از کتاب‌های این حوزه باید تجدید چاپ شود و نویسندگان و ناشران آن از این سرمایه‌ای که گذاشته‌اند سود ببرند. بنده کتابی نوشته‌ام به نام «چتربازی در امواج»، زندگی نامه شهید غواصی است که کارهای بسیار بزرگی کرده اما در محل زندگی‌اش حتی یک کوچه به نام آن شهید نیست. چون احساس تعهد می‌کردم به سراغ او رفتم و با پرسش از دوستان، همسایگان و مادر شهید، داستان زندگی او را نوشتم و چاپ شد، بنابراین می‌توان زندگینامه تک تک شهدا و جانبازان را به رشته تحریر در آورد و این شهید یا جانباز برای نسلی که زیر بمباران شبکه‌های ماهواره، فضای مجازی و ضد انقلابی هستند الگو قرار می‌گیرد.

***چه کار کنیم تا نسل جوان با این حوزه بیشتر انس بگیرند؟**

مشکل نسل جوان این است که در جامعه دچار دوگانگی‌هایی می‌شوند چرا که برخی مسئولان ما مردم را به قناعت و تقوا دعوت می‌کنند اما خود زندگی شاهانه و اشرافی دارند و این تضادها سبب می‌شود که اعتماد نسل جوان سلب شده و به دنبال بی‌بندوباری روند. ما باید با فعالیت در حوزه‌های فرهنگی به ویژه دفاع مقدس توجه جوانان را به این حوزه بیشتر جلب کنیم تا جوانان بتوانند با آن دوران و افرادی که آن دوران می‌زیستند ارتباط برقرار کرده و از آنها الگو بگیرند.

***درباره کتاب‌هایی که در حوزه دفاع مقدس نوشته اید برای آشنایی خوانندگان توضیحاتی را بفرمایید؟**

آثاری که در این حوزه نوشته ام «هرمز»، «سرباز وطن»، «آیت ولایت»، «زنی با کفش‌های مردانه» و «چتربازی در امواج» است. در «هرمز» به زندگینامه شهید «هرمز تاری»، در «سرباز وطن» زندگینامه داستانی مرحوم «امیر سرلشگر قاسمعلی ظهیرنژاد»، رئیس ستاد مشترک ارتش در دفاع مقدس را به نگارش درآورده‌ام.

تمام مستندات کتاب آیت ولایت، مبنی بر اظهار شخصیت‌های حقیقی است، اینها گفته‌های همکاران و دوستان شهید مظلوم دکتر سیدحسن آیت بوده که با داستان‌پردازی شکل گرفته است. این کتاب را براساس پیشنهاد کنگره سرداران نجف‌آباد، صورت گرفته است. چراکه درباره این شهید در گذشته کتابی منتشر نشده بود، به همین منظور تصمیم گرفتم برای نخستین بار در کشور این کتاب را به رشته تحریر درآورم.

***چرا برخی از نویسندگان ممکن است در این راه دچار مشکلاتی شده و کناره‌گیری کنند؟**

همه این مشکلات به این برمی‌گردد که مسئولان از نویسندگان و ناشران حمایت نمی‌کنند و اکثر نویسندگان ما با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند. بنده به نوشتن عشق می‌ورزم و به این کار تعهد دارم، با اینکه از نظر مالی گاهی حتی پول برگه و قلم آن را هم در نمی‌آورم اما به این فکر می‌کنم که شهدا و جانبازان دین عظیمی بر گردن ما دارند آنها برای سربلندی میهن و کشور خود جانفشانی‌ها کرده‌اند که اگر درباره آنها ننویسیم در واقع مانند آن است که به آنها خیانت کنیم.

دو شهید- دو خاطره

اگر امام نمی‌آمد

مریم عرفانیان

مدتی از همسرم خبری نداشتم. همسایه‌ها مدام به خانه‌مان رفت‌وآمد می‌کردند تا اطلاعی از او کسب کنند. هر کس چیزی می‌گفت. یکی می‌گفت:

- «اوستا عبدالحسین رو کشتند.»

دیگری ادامه می‌داد:

- «مگر کسی می‌تواند با شاه درگیر شود؟»

تا وقتی پس از ده روز یک نفر خبر آورد که:

- «اوستا زندان است. شما می‌توانید یک سند یا صدهزارتومان پول ببرید و ایشان رو آزاد کنید.»

آن وقت فهمیدیم روزی که حرم امام رضا (ع) را به گلوله بستند، ساواک دوباره او را گرفته است. آقای غیاثی که کارفرمای همسرم بود، در خانه آمد و پرسید:

- «چرا اوستا عبدالحسین سر کار نیامده؟»

با ناراحتی جریان حرم امام رضا (ع)، زندان و سند را تعریف کردم. آقای غیاثی گفت:

- «نگران نباشید. خودم اوستا رو می‌آورم.»

بعد هم آقای غیاثی سند خانه‌اش را گذاشتند و عبدالحسین آزاد شد.

***

جمعیت زیادی در کوچه جمع شده بودند. اهالی از اینکه عبدالحسین به سلامت آزاد شده خوشحال بودند. یکی از همسایه‌ها میان مردم شیرینی پخش می‌کرد. دخترم را در بغل گرفتم و به استقبال همسرم رفتم. چهره عبدالحسین از شکنجه ساواک فرسوده شده بود، دیگر نه دندان سالم داشت و نه جسم سالم. وقتی به من رسید پرسید:

- «چرا شیرینی پخش می‌کنند؟»

جواب دادم:

- «همسایه‌ها برای سلامتی شما شیرینی گرفتند.»

گفت:

- « نمی‌دانید چه جوان‌هایی زیر شکنجه به شهادت می‌رسیدند. کاش شهید می‌شدم.»

این را که گفت بند دلم پاره شد و او با صلوات جمعیت به خانه قدم گذاشت. حالش که بهتر شد کم‌کم دوستان طلبه‌اش می‌آمدند و با هم صحبت می‌کردند؛ از پشت پرده شنیدم که شکنجه‌گر ساواکی دندان‌هایش را شکسته است.

روزها بعد عبدالحسین برای پس گرفتن سند منزل آقای غیاثی به تهران رفت، وقتی برگشت سند خانه آقای غیاثی و چند برگه دیگر نیز همراهش بود. برگه‌ها را نشانم می‌داد و با خنده می‌گفت:

- «این حکم اعدام من است.»

آن وقت فهمیدم در همان زمان دستگیری، امام از پاریس آمدند و انقلاب پیروز شد؛ اگر امام نمی‌آمد حکم اعدام عبدالحسین قطعی بود.

***

خاطره‌ای از شهید عبدالحسین برونسی
راوی: معصومه سبک‌خیز، همسر شهید

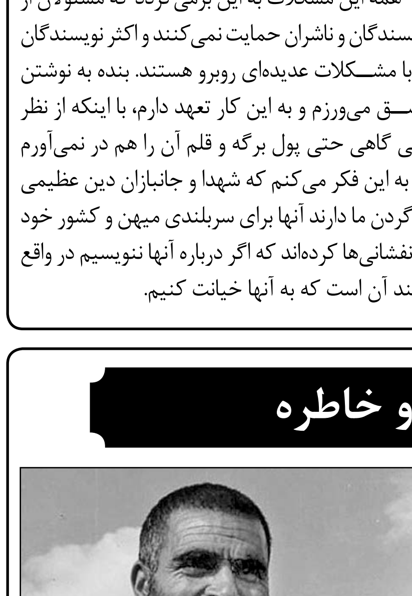

نوحه

در پاسگاه چند سیلی محکم بر صورتم خورد؛ سرم سوت کشید. خاطرم آمد که حسین روز عاشورا نوحه‌ای سرود و به من داد، گفت:

-«برادر! این نوحه رو بخوان تا مردم روستا سینه بزنند.»

مضمون نوحه این بود: (آن شهیدان که اندر خاک مأوا کرده‌اند؛ گلشن دین را از خون خویش احیاء کرده‌اند.) بلندگو به دست گرفتم و شروع به خواندن کردم، اما اهالی ترسیدند و سینه نزدند! در همین حال پدرم رو به جمعیت گفت:

-«آقایان! این نوحه رو پسرم حسین سروده و پسر دیگرم حسن می‌خواند. اگر به گوش پاسگاه برسد، کسی با شماها کاری ندارد، آخرش پسران من رو می‌گیرند.»

با این حرف پدر، مردم کمی آرام شدند و شروع به سینه زدن کردند. مراسم نوحه‌خوانی که تمام شد، دو سرباز از طرف پاسگاه آمدند و من و حسین را گرفتند. آن وقت دنبال پدرمان فرستادند و تعهد گرفتند تا دیگر از این کارها نکنیم.

***

سخت‌گیری‌های طاغوتیان موثر نبود، چون صبح روز بعد حسین از بلندگو اعلام کرد:

-«نیروی هوایی به مردم پیوست.»

بعد هم این شعار را فریاد زد:

-«ارتش به ما پیوسته، شاه کمرش شکسته.»

چند دقیقه گذشت؛ عده بسیاری از اهالی روستای درخش به طرف روستای آسیابان سرازیر شدند. در روستای آسیابان افراد بسیاری به ما ملحق شدند درحالی‌که با بلندگو تکرار می‌کردند:

-«ارتش به ما پیوسته، شاه کمرش شکسته.»

***

خاطره‌ای از شهید حسین قاینی
راوی: حسن قاینی، برادر شهید

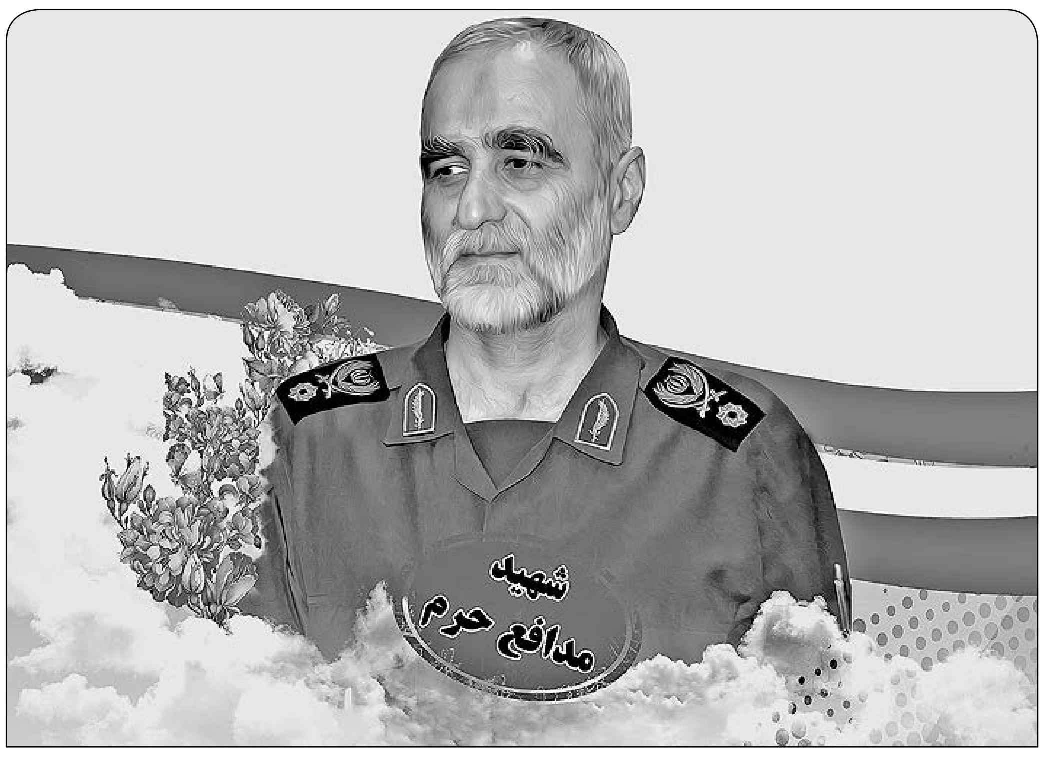

به مناسبت سومین سالگرد شهادت مدافع حرم، سردار سیدحمید طباطبایی مهر

فدایی زینب(س)

مجتبی برزگر

ولایت‌مداری‌اش بلامنازع بود؛ بصیرت‌افزایی مصداقش بود و می‌کوشید همه را در این راه با خود همراه کند. همواره می‌گفت سعادت در راهی است که ولی‌فقیه به آن تمایل داشته باشد. به جز الطاف الهی چیزی را در خودش نمی‌دید؛ این هم سندی بر بی‌ادعایی‌اش! همسرش می‌گوید تا توانست مدبرانه برای آخرتش کار کرد و همین خلوص نیت و خدمت خالصانه، نتیجه اش شهادت بود. همرزمانش هم می‌گویند سیدحمید هیچ‌گاه به دنبال راحتی و کسب امتیاز نبود؛ رمز این شجاعت و خستگی‌ناپذیری در آن اهداف عالی نهفته است که نیمه شب او را به خلوت معشوق می‌کشاند و خستگی و ترس را برایش بی‌معنا می‌کرد. هرگاه صحبتی از حرم عمه اش، حضرت زینب(س) به میان می‌آمد با غیرت خاصی می‌گفت: «اگر ما نباشیم به حرم ایشان هتک‌حرمت می‌کنند». آنچه را در ادامه می‌خوانید شمّه‌ای از ویژگی‌های سردار رشید سپاه اسلام حاج سیدحمید طباطبایی‌مهر از فرماندهان پرتلاش نیروی زمینی سپاه است که در چهارم اسفند ۹۱ در منطقه عملیاتی حومه حلب سوریه به شهادت رسید، مزار این شهید بزرگوار در قطعه ۲۶ ردیف ۵۶ واقع شده است. این گپ و گفت خواندنی را در آستانه سومین سالگرد شهادت این سردار مدافع حرم با خانواده و همرزمانش داشتیم که می‌توانید در ذیل بخوانید.

حزب فقط حزب خدا

معصومه اسدی همسر این شهید بزرگوار درباره ولایتمداری سیدحمید گفت: ایشان فردی حق محور بودند و قلبشان از قرآن فرمان می‌گرفت و خود را وابسته به هیچ حزب و گروهی نکرد. «حزب فقط حزب خدا»؛ وامدار کسی نبود و به دنبال منفعت‌طلبی و به دست‌آوردن جایگاه به هر قیمتی نبود و می‌گفت: «باید مراقب باشیم، به‌بیراهه کشیده نشویم» و همچنین می‌گفتند: «شاخص، مواضع امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب است و رمز موفقیت‌مان پشتیبانی قاطع بی‌چون چرا و همه جانبه از رهبر عزیزمان است.»

خودش را نمی‌دید و هرچه بود اطاعت بود

وی بصیرت‌افزایی را یکی از مصادیق ولایت‌پذیری سیدحمید دانست و افزود: به دنبال تأثیر و تأیید دیگران نبود و افراد و گروه‌ها را تا زمانی که خطوط و شاخص‌های مدنظر ولی‌فقیه مورد توجه قرار بگیرد مورد تائید و پذیرش‌شان بود. حقیقتاً ایشان فرد آگاه و روشنی بودند و با شناخت شرایط، زمان را انتخاب و همواره راه برتر را بنابر فرمایشات حضرت آقا برمی‌گزیدند و مراقب بودند عمل‌شان هم‌سو با فرمایشات حضرت‌آقا و یک اطاعت‌پذیری بلامنازع از رهبری داشته باشند. به گونه‌ای که آنچه را حضرت‌آقا به عنوان دغدغه از آن یاد می‌کردند اعتقاد داشتند به منصه ظهور برسد؛ سیدحمید خودش را نمی‌دید و هرچه بود مطیع امر حضرت آقا بود و سعادت خود را در اطاعت از ایشان می‌دید. بحمدالله بعد از جوانی تا پایان زندگی همراهی با ولایت در عمل را در شهادت نشان داد.

حرف و عملش با اعتقادش همراه و همسو بود

همسر شهید طباطبایی‌مهر در پاسخ به این سؤال که می‌دانید حضرت آقا فرموده‌اند: «شهدای حرم از اولیاءالله هستند»؛ آیا خاطره‌ای با ایشان دارید که مصداق این فرمایش مقام معظم رهبری(مدظله) باشد، تصریح کرد: از ابتدای شروع زندگی مشترک‌مان و پیش از آن، هدف‌مان طی کردن مسیر کمال و همراهی در این راه بود و از من می‌خواستند همدیگر را در جهت عاقبت به خیر شدن کمک کنیم. ایشان اتکا و باورشان به عظمت و علم و قدرت الهی بود و همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها را از خدا می‌دید و خود را در محضر حق ذلیل و کوچک می‌دید و به جز الطاف الهی چیزی را از خودش نمی‌دید و ادعایی نداشت و از خدا یاری می‌گرفت و یاری می‌خواست؛ سیدحمید می‌گفت: «من هیچ‌هستم هرچه هست از خداست». زندگی را در بندگی خدا و خیررساندن می‌دانست. یادم نمی‌رود که می‌گفت: «اگر کارهایمان برای خدا باشد در آن چیزی برایمان می‌ماند». همه کارهایشان را برای رضای خدا انجام می‌داد و به من هم طبق قرارهای شروع زندگی‌مان «همراه و همسفر هم در مسیر نور تا...» توصیه می‌کرد و می‌گفت: ما که اول و آخر باید کارمان انجام شود پس چقدر خوب است سعی کنیم با نیت خالص در راه رضای خدا کارهایمان را ارزشمند و به ماندگاری و پایداری برسانیم؛ حقیقتاً حرف و عملش با اعتقادش همراه و همسو بود.

هیچ‌گاه به دنبال راحتی و کسب امتیاز نبود

وی خاطرنشان کرد: هرگز ترس و نگرانی به دل خود راه نمی‌داد و از مرگ نمی‌ترسید و مانند کوه تا لحظه شهادت معتقد و وفادار به اسلام باقی ماند. اعتقادش به خدا بود و خدا را پشتیبان خود می‌دید. حجم کارشان بالا و خستگی‌ناپذیر بودند. سیدحمید هیچ‌گاه به دنبال راحتی و کسب امتیاز نبود و هر کاری از ایشان بر می‌آمد دریغ نمی‌کردند و رمز این شجاعت و خستگی ناپذیری ایشان در آن اهداف عالی نهفته است که او را جاذبه‌ای بخشیده بود که نیمه شب او را به خلوت معشوق می‌کشاند و خستگی و ترس را برایش بی‌معنا می‌کرد.

همسر شهید طباطبایی‌مهر در پاسخ به این سوال که چه عامل و یا عواملی ایشان را برای دفاع فراتر از مرزها سوق داد، تأکید کرد: شهید طباطبایی‌مهر مجاهدی خستگی ناپذیر بود و عمر پرخیر و برکتش با جهاد در راه خدا و دفاع از ارزش‌ها توأم بود و می‌گفتند خیلی باید حواس‌مان به ارزش‌های انقلاب و حفظ آن‌ها باشد. خدمت را محدود به زمان و مکان نمی‌کرد و در برابر دشمنان، ظالمان و زورگویان در هر مکان و زمان ایستادگی را انتخاب می‌کرد؛ یادم نمی‌رود هرگاه صحبتی از حرم حضرت زینب(س) به میان می‌آمد با غیرت خاصی می‌گفت: «اگر ما نباشیم تا که این‌ها بخواهند به حرم ایشان هتک‌حرمت کنند.»

نمی‌توانست به ندای «هل‌من ناصر» امام بی‌تفاوت باشد

وی اظهار کرد: سیّد، خود و اهداف بزرگش را وقف خدمت به اسلام کرده بود و حفظ و صیانت اسلام را نسبت به مصالح شخصی خود مقدم می‌دانست و گسترش نگاهش او را به فراتر از مرزها کشاند. از آن‌جا که مسئله سوریه و امنیت‌ملی کشور را با هم در ارتباط می‌دید می‌کوشید که جنگ به ایران کشیده نشود و دیگر آن‌که نمی‌توانست نسبت به هتک حرمت حرمین (شام و عراق) بی‌تفاوت باشد. به واقع امور ظاهری و

سیدحمید هیچ‌گاه به دنبال راحتی و کسب امتیاز نبود و هر کاری از ایشان بر می‌آمد دریغ نمی‌کردند و رمز این شجاعت و خستگی ناپذیری ایشان در آن اهداف عالی نهفته است که او را جاذبه‌ای بخشیده بود که نیمه شب او را به خلوت معشوق می‌کشاند و خستگی و ترس را برایش بی‌معنا می‌کرد.

منافع زودگذر نمی‌توانست ایشان را نسبت به ندای "هل من ناصر..." امام و ولی‌امر خود بی‌تفاوت کند؛ او با یک هدف و عشق با ارزش زندگی می‌کرد آن‌قدر با ارزش که حاضر شود کل زندگی‌اش را برای آن فدا کند.

مقتدر اما فروتن

تفکرات نظامی و خصوصیاتی چون دینداری، ولایتمداری، ساده‌زیستی و بی‌توجهی به مال دنیا از جمله ویژگی‌هایی بود که سردار طباطبایی‌مهر را به سرمایه‌ای بزرگ برای نیروی زمینی سپاه تبدیل کرده بود.

سردار عبدالله عراقی جانشین نیروی زمینی سپاه به خاطر دارد که سردار طباطبایی‌مهر در عمل یک فرمانده پرتوان، دارای کردار و گفتار نیک و در عین حال فردی جدی و سختگیر بود اما در ظاهر همچون یک سرباز ساده مانده بود. در برخورد با سربازان چون پدری دلسوز و مهربان بود که در اوقات فراغت در جمع آنان و پای درد دل آنها می‌نشست و چه گره‌گشایی‌هایی که نمی‌کرد.

مرد میدان‌های سخت

وی گفت: شهید طباطبایی مدیر میدان‌های سخت بود و از نظر تربیت، تقوا، شجاعت، ایثار، فداکاری و مدیریت، نمونه بود؛ وقتی نیروی زمینی سپاه می‌خواست فرد مورد اعتمادی را برای گره‌گشایی و انجام مأموریت اعزام کند، از سیّد استفاده می‌کرد. شهید طباطبایی هرجایی که به یک مدیریت میدانی سخت نیاز بود با کمال میل و رغبت حضور پیدا می‌کرد و در حالی که دریایی از گنجینه اطلاعات نظامی بود اما در عمل مانند یک سرباز ساده رفتار می‌کرد.

رها از تکبر

سردار عراقی تأکید کرد: او در میدان، صحنه نبرد را خوب می‌دید و درست تصمیم می‌گرفت؛ تصمیم‌هایی چاره‌ساز و سرنوشت‌ساز؛ نوع رفتار، اخلاص و تقوای شهید طباطبایی طوری بود که هیچ‌وقت کبر و غرور در او ندیدیم. او همیشه دنبال مأموریت و انجام وظیفه به نحو احسن بود.

شهادت یکی از گمشده‌های سردار طباطبایی بود

وی با اشاره به اینکه فقدان شهید طباطبایی خسارتی بزرگ برای نیروی زمینی سپاه به شمار می‌رود، اظهار کرد: شهادت یکی از گمشده‌های سردار سیدحمید طباطبایی‌مهر بود که بحمدالله خداوند در آخرین سال‌های عمر کاری‌اش به وی عنایت کرد.

برات شهادت را خداوند امضاء کرد

سردار سیدمرتضی میریان از فرماندهان عملیات سپاه از لحظه‌شماری سردار طباطبایی برای رسیدن به شهادت، گفت؛ وی در این باره تصریح کرد: لحظه‌شماری آقا سیّد را برای شهادت همچون پرنده‌ای می‌دانم که دیگر می‌خواست از قفس فرار کند.

سردار میریان افزود: پس از بازگشت سیّد از حج دیگر خودش را در این دنیا نمی‌دید. حواسش جای دیگری بود. شاید از خودش می‌پرسید وقتی انسان‌ها در این راه حرکت می‌کنند، چرا شهید نمی‌شوند؟ از نظرمن دو دیدگاه وجود دارد؛ یا خدا برای خدمتی در آینده آن‌ها را حفظ کرده و یا آزمون خیانت! هر دو متصور است و ما باید شبانه‌روز از خداوند این را بخواهیم که؛ اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا.

الگوی بزرگ

سرهنگ‌پاسدار علی کوهستانی از مسئولین عملیات نیروی زمینی سپاه با اشاره به اینکه به اولین کسی که خبر شهادت را دادند، من بودم!، بیان کرد: در بین شهدا، شهادت سردار طباطبایی خیلی روی من تأثیر بیشتری گذاشت؛ با اینکه دوستی ما در محل کار آغاز شد اما وقتی خبر ایشان را در جلسه‌ای به من دادند حاضرین در جلسه فکر کردند که پدر، مادر و یا آشنایانم از دنیا رفته‌اند. وقتی می‌خواستند برای مأموریت مستشاری به سوریه بروند به آن دوستی که همراه ایشان بودند سفارش کرده بودم مواظب سیّد باشند؛ زیرا رفتار، کردار و نوع فعالیتش او را به شهادت نزدیک می‌کرد. هیچ‌گاه آن لحظه‌های سخت یادم نمی‌رود که ناخودآگاه جواب تلفن را دادم و دوستم نیز به من گفت آن رفیقت را که خیلی سفارش می‌کردی، پرید! دیگر نتوانستم خودم را کنترل کنم و زدم زیر گریه؛ همه به من نگاه کردند و پرسیدند چرا گریه می‌کنی؟گفتم سیّد شهید شد. همه از دوستی عمیق من با آقا سیّد خبر داشتند و واقعاً شهادتش برای من ضربه مهلکی بود؛ احساس می‌کنم یک راهنما و الگوی خوب و برادر بزرگ خودم را از دست داده‌ام.

مدیر استثنایی

محمد کلهر از همرزمان سردارشهید طباطبایی‌مهر در دوران فناوری نیروی زمینی سپاه از اینکه سیدحمید همواره برای شهادت لحظه شماری می‌کرد، تصریح کرد: پس از اینکه به عملیات آمدند همانند شهید کاظمی و به فرمایش مقام معظم رهبری(مدظله) شهادت در دلش موج می‌زد و عاشقانه به دنبال شهادت بود؛ من سردار طباطبایی را به واقع مرد میدان‌های سخت می‌دانم. سال‌هایی که جانشین ایشان در فناوری نیروی زمینی سپاه بودم به خاطر ارتباطات خانوادگی، گاهی به منزل ایشان می‌رفتم و ایشان هم به منزل ما می‌آمدند. من تصویری از ایشان ندیدم که از شهدا نشان بدهد و گریه نکند. با وجود اینکه اگر کسی این صحنه‌ها را ندیده باشد می‌گوید خیلی جدی و با جذبه است ولی بارها شاهد رأفت و مهربانی از ایشان بودم. مدیریت ایشان یک مدیریت استثنایی بود؛ اول اینکه برای انجام کاری که در نظر داشت زمان زیادی را صرف می‌کرد. یعنی هرچه بحران‌ها بیشتر، مدیریت سیّد پویاتر و کارآمدتر بود. با کارهای ستادی آشنا بود اما به کارهای عملیاتی بیشتر گرایش داشت.

در رفتار سیّدحمید شهادت موج می‌زد

وی درباره اینکه سیدحمید چه خصوصیتی داشت که فکر می‌کردید روزی شهید می‌شود، گفت: اول اینکه هرکاری را با پشتکار انجام می‌داد. دومین ویژگی این بود برای کاری که خیلی برایش اهمیت داشت زمان و وقت زیادی صرف می‌کرد. گاهی اصلاً خانه نمی‌رفت. آن‌قدر می‌ماند تا کارش را به نتیجه برساند. در حالی که از خانه تا محل کارش هم پنج دقیقه بیشتر راه نبود اما گاهی برای برنامه‌ای سه، چهار شب در پادگان می‌ماند. از طرف دیگر هم یادم می‌آید در عملیات‌های والفجر ۲، ۴ و ۸ که با هم به منطقه رفته بودیم، همیشه کارهای سخت را می‌پذیرفت و بدترین جا را هم برای خوابیدن انتخاب می‌کرد. البته هر شهیدی خود به تنهایی ستاره درخشانی بود. واقعاً بین افراد از نظر ظاهری خیلی نمی‌شد قضاوت کرد فقط این رفتار گویای این درجه و مرتبه است که در ایشان به وضوح شاهد بودیم.

همسر سردارشهید طباطبایی‌مهر در خاتمه افزود: خاک پای تمام شهدا هستم و خود را شرمنده‌شان می‌دانم که نتوانستم درست از آنها رنگ بگیرم؛ شرمنده حضرت زینب(س) هستم که نتوانستم در جهت ایشان و مادرشان حرکت کنم. باید گوش جان به فرمایش حضرت امام خامنه‌ای(مدظله) بسپاریم و غفلت نکنیم! با بصیرت و هوشمندانه عمل کنیم که بهترین عامل درونی در سقوط‌مان غفلت است که دشمنان ما خواهان آن هستند. از خداوند می‌خواهم قدم‌های ما را تا آخرین نفس در راه راست، ثابت و استوار نگاه دارد و به ما توفیق زنده نگه‌داشتن یاد شهدا و ادامه راه و تحقق اهداف‌شان را روزی‌مان گرداند. عزیزانی که با بذل و بخشش جان، ولایتمداری و ولایت پذیری خود را به اوج رساندند.

مقاومت به روایت ولایت

مقاومت و اقتدار رمز پیروزی و پیشرفت

پس از اجرایی شدن برجام، رهبر انقلاب دستاوردهای هسته‌ای را رهاورد مقاومت و اقتدار ملت ایران برشمردند.

در پاسخ رهبر انقلاب به نامه رئیس‌جمهور درباره سرانجام مذاکرات هسته‌ای مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ آمده است:

«خرسندی خود را از اینکه مقاومت ملت بزرگ ایران در برابر تحریم‌های ظالمانه و تلاش دانشمندان هسته‌ای در پیشبرد این صنعت مهم و کوشش خستگی‌ناپذیر مذاکره‌کنندگان، سرانجام طرف‌های مقابل را که برخی از آنان به دشمنی با ملت ایران شهره‌اند، وادار به عقب‌نشینی و رفع بخشی از آن تحریم‌های زورگویانه کرد، ابراز می‌دارم. ... در تبلیغات توجه شود که در برابر آنچه در این معامله به دست آمده، هزینه‌های سنگینی پرداخت شده است. نوشته‌ها و گفته‌هایی که سعی می‌کنند این حقیقت را نادیده گرفته و خود را ممنون طرف غربی وانمود کنند با افکار عمومی ملت، صادقانه رفتار نمی‌کنند. ... همین اندازه دستاورد نیز در برابر جبهه استکبار و زورگو، بر اثر مقاومت و ایستادگی به دست آمده است. این را باید همه ما درسی بزرگ برای همه قضایا و حوادث در جمهوری اسلامی بدانیم.»

همچنین رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ فرمودند:

«یک عدّه‌ای دارند این‌جور وانمود می‌کنند که کأنّه این دستاوردهایی که حالا مثلاً پیدا شد، آمریکا یک لطفی کرد به ما که این تحریم‌ها را مثلاً برداشت؛ این‌جور نیست. یک عدّه‌ای از این فرصت می‌خواهند استفاده کنند، باز چهره منحوس استکبار را بزک کنند؛ این خیلی خطرناک است. چه لطفی؟ ... ما انرژی هسته‌ای را با توانایی‌های خودمان، با فکر دانشمندانمان، با پشتیبانی‌های دولت‌های مختلف[مان] پیش بردیم، چهار شهید دادیم در این راه، به این نقطه رساندیم؛ شوخی است؟ کاری کردیم که دشمن که یک روز حاضر نبود یک سانتریفیوژ در این کشور بچرخد، حالا مجبور شده به‌خاطر واقعیّت‌های موجود، تحمّل کند که چند هزار سانتریفیوژ وجود داشته باشد. این لطفی از طرف آنها نیست؛ این تلاش ملّت ایران است، تلاش دانشمندان است. [آنها] تحریم کردند برای اینکه مردم را عصبانی کنند و به خیابان بکشانند. بنده این را چند سال پیش گفتم؛ بعضی‌ها گفتند این تحلیل است؛ بله، شاید آن روز تحلیل بود امّا امروز خبر است؛ خودشان گفتند؛ افراد متعدّدی از آنها در بیانات مختلف گفتند هدف ما این است که مردم را از نظام جمهوری اسلامی، از دولت جمهوری اسلامی عصبانی کنیم. می‌خواستند مردم را به خیابان بکشانند؛ [امّا] مردم ما ایستادند؛ این مقاومت مردم، این ایستادگی مردم پشتوانه کار سیاسی و دیپلماسی و مذاکره و این حرفها شد. دشمن مجبور شد؛ همین مقداری که عقب‌نشینی کرد، به‌خاطر این بود که ملّت از خودش اقتدار نشان داد؛ دولت جمهوری اسلامی از خودش اقتدار نشان داد، عزّت نشان داد. البتّه من شخصاً معتقدم که می‌شد ما از این بهتر هم انجام بدهیم، خب، بالاخره توان و فرصت و امکانات همین اندازه را اقتضا کرد، ولی همین اندازه پیشرفتی که انجام گرفت، کار قابل توجّهی است، کار مهمّی است و این به‌خاطر پشتیبانی ملّت، به‌خاطر اقتدار ملّی، به‌خاطر اتّصال فراوان نظام جمهوری اسلامی با آحاد مردم و بدنه مردم بود.»

بنابراین مطابق رهنمودهای رهبر انقلاب آنچه تاکنون در عرصه هسته‌ای به دست آمده مرهون مقاومت و اقتدار ملی است نه لطف و عنایت دشمن.

راه آینده نیز همین است. در آینده نیز باید خط مقاومت و اقتدار را ادامه داد تا پیروزی‌ها و پیشرفت‌ها ادامه یابد و روزافزون گردد و این موضوعی است که رهبر انقلاب بر آن تأکید نموده‌اند.

رهبر انقلاب در بخشی از پاسخ به نامه رئیس‌جمهور درباره سرانجام مذاکرات هسته‌ای مرقوم فرمودند:

«به همه مسئولان دولتی تذکر داده شود که حلّ مشکلات اقتصادی کشور در گرو تلاش بی‌وقفه و خردمندانه در همه بخش‌ها در جهت اقتصاد مقاومتی است و رفع تحریم‌ها به تنهایی برای گشایش در اقتصاد کشور و معیشت مردم کافی نیست.»

و در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات فرمودند:

«یک نکته دیگری که من بارها تذکّر داده‌ام این است که حالا که تحریم‌ها برداشته شد، آیا مشکل اقتصاد کشور و معیشت مردم و سفره‌های مردم با برداشتن تحریم‌ها حل خواهد شد؟ نه، مدیریّت لازم است، برنامه لازم است. من، هم در زمان این دولت، هم در زمان دولت قبل که بخشی از تحریم‌های مهم تازه شروع شده بود و بخشی هم در انتظار زمان بود که شروع بشود گفتم که مشکلات اقتصادی کشور ممکن است بیست درصد، سی درصد، چهل درصد مربوط باشد به تحریم‌ها [امّا] بقیّه مربوط به مدیریّت ما است؛ ما باید مدیریّت کنیم، ما بایستی درست عمل کنیم و راه عمل هم اقتصاد مقاومتی است.»

بنابراین مقاومت در عرصه اقتصادی و سرلوحه قرار دادنِ اقتصاد مقاومتی علاج مشکلات اقتصادی کشور است که باید رویکرد مسئولان باشد.

علاوه بر اینها رهبر انقلاب نکته بسیار مهم دیگری در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات فرمودند که باید نصب‌العین مسئولان در تمامی عرصه‌ها قرار گیرد. ایشان در این دیدار مسئولان سیاسی را به اتخاذ رویکرد مقاومت و اقتدار در برابر دشمن امر فرمودند:

«این حرکتی که جوان‌های عزیز سپاه پاسداران ما در دریا کردند و در مقابل تجاوز دشمن از خودشان هویّت و قدرت نشان دادند -که تا حالا فرصت نشده که از اینها تشکّر بکنم؛ و واقعاً هم تشکّر می‌کنم از اینها- کار بسیار درستی کردند؛ دشمن تجاوز کرد به آب‌های ما، اینها رفتند دشمن را محصور کردند. کسانی که مسئولین سیاست هستند، در همه عرصه‌های جهانی همین‌جور عمل کنند؛ مراقب تجاوز دشمن باشند و ببینند کجا تجاوز می‌کند، کجا دارد از خطوط تجاوز می‌کند، و با قدرت جلویش را بگیرند.»

کوتاه سخن آنکه نه تنها در عرصه هسته‌ای بلکه در تمامی عرصه‌ها آنچه که تاکنون برای نظام به دست آمده مرهون مقاومت و اقتدار است و راه آینده نیز تداوم مقاومت و اقتدار است. مقاومت و اقتدار عامل پیروزی‌ها و پیشرفت‌های گذشته و ان‌شاءالله رمز پیروزی‌ها و پیشرفت‌های آینده جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

تهیه و تنظیم: کامران پورعباس